

# نقش کشورهای حوزه خزر عضو سازمان همکاری اقتصادی (اكو) در ارتقای سطح این سازمان<sup>۱</sup>

جانز لین  
ترجمه ملوک پرتوی شفق  
(کارشناس ارشد اقتصاد، معاونت امور اقتصادی)

## مقدمه

## طرح موضوع:

پدیده منطقه‌گرایی طی دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰ جای خود را در فرهنگ روابط بین‌الملل یافت و در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی بیشتر مورد توجه قرار گرفت. منطقه‌گرایی نوعی همکاری معطوف بین کشورهای یک منطقه است. اگرچه عامل جغرافیا به عنوان عامل مهم همبستگی دولت‌های منطقه مطرح است، ولی "احساس همکاری مشترک" نقش اصلی در گرایش دولت‌های یک منطقه برای رفع مشکلات ایفا می‌کند. همکاری‌های منطقه‌ای در قالب همکاری‌های اقتصادی یا سیاسی است.

طی دهه ۱۹۹۰ کشورهای آسیای مرکزی، بعد از استقلال و به منظور کسب هویت و یافتن مرجعی برای همکاری منطقه‌ای تمایل خود را برای پیوستن به اكو نشان دادند. یکی از اهداف اصلی اكو رشد اقتصادی در سایه افزایش مبادلات تجاری است. چون ساختار اقتصادی مکمل این جمهوری‌ها موجب گسترش ارتباطات و مبادلات در منطقه می‌شود، در نتیجه این ویژگی موجب پذیرش الحاق آن‌ها به سازمان اكو شد.

این جمهوری‌ها از منابع غنی معدنی، انرژی و محصولات کشاورزی قابل توجه برخوردار بوده و از نظر توزیع منابع مواد اولیه هم مشکلی بین اعضا وجود ندارد. شاخص تشابه کالاها، صادراتی و حرکت این جمهوری‌ها به سوی اقتصاد بازار که نوعی سیستم‌های اقتصادی یکسان میان آن‌ها و دیگر اعضا اكو را به همراه دارد، هم زمینه‌ساز توسعه همکاری‌های آن‌هاست. جمعیت رو به گسترش منطقه، رشد اقتصادی برتر برخی این جمهوری‌ها نظیر قزاقستان و آذربایجان و ترکمنستان، روابط گسترده بازرگانی با یکدیگر، اشتراکات قومی و فرهنگی، ارتباطات و مبادلات وسیع بین آن‌ها از دیگر ویژگی‌های همکاری کشورهای منطقه با یکدیگر و با دیگر اعضای اصلی اكو است.

این جمهوری‌ها همچنان با پیوستن به اكو امکان دسترسی خود به آب‌های آزاد جهان را از طریق ایران، پاکستان و ترکیه افزایش می‌دهند. در مقابل، حضور این کشورها، سطح مبادلات اعضای اكو را با سایر مناطق آسیا مرکزی به‌ویژه روسیه و قفقاز، سهل‌تر می‌کند. رهبران سه کشور حوزه خزر یعنی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به موازات سایر جمهوری‌های منطقه از عضویت در این سازمان به‌عنوان سیاستی مناسب برای کاهش وابستگی‌های خود به قطب‌های قدرت جهان استقبال کردند.

علاوه بر موارد مذکور، گرایش کشورهای آسیای مرکزی به سازمان اكو ناشی از بروز چالش‌های مهم منطقه‌ای بعد از دستیابی به استقلال هم بود.

کارل دویج نظریه‌پرداز کارکردگرایان برای تحقق همگرایی، شرایطی مانند سازگاری متقابل ارزش‌های مهم رفتار سیاسی، داشتن شیوه و الگوی جذاب و مطلوبی از زندگی، انتظار همبستگی اقتصادی قوی‌تر و مفیدتر، افزایش چشم‌گیر ظرفیت سیاسی و اداری بعضی از اعضای جامعه، رشد اقتصادی برتر برخی از اعضا در مقابل دیگر واحدهای عضو، جذب بخش مهمی از نخبگان سیاسی، تحرک اجتماعی و جغرافیایی نسبتاً گسترده، چندلایگی دامنه جریان اطلاعات، مبادلات متقابل، جابه‌جایی نقش‌های گروهی در درون واحدهای سیاسی و قابلیت پیش‌بینی متقابل رفتاری را ضروری می‌داند.

تحقق همگرایی جمهوری‌های آسیای میانه با سازمان اكو را می‌توان در قالب این شرایط بحث و بررسی کرد.

سازمان همکاری اقتصادی (اكو) در چارچوب شرایط ایجاد یک همکاری منطقه‌ای با اهدافی مانند ارتقای شرایط برای توسعه اقتصادی پایدار اعضا، گسترش و افزایش تجارت درون منطقه‌ای و بین‌المللی، فراهم آوردن شرایط برای ادغام تدریجی با اقتصاد جهانی، ارتقای همگرایی فعالیت‌های بخش عمومی و خصوصی اعضا و تحکیم ارتباطات جهانگردی (توریستی) در ۱۹۸۴ جانشین سازمان همکاری عمران منطقه‌ای شد.<sup>۲</sup>



فروپاشی شوروی سابق، آسیب‌های جدی بر پیکره این جمهوری ها وارد کرد. جایگزینی نظام بازار به جای نظام برنامه‌ریزی اقتصادی، ثبات شاخص‌های کلان اقتصادی آن‌ها را به هم ریخته و تورم شدیدی را ایجاد کرد. تولیدات صنعتی و کشاورزی آن‌ها کاهش یافت و تجارت و حمل و نقل به شدت وابسته آن‌ها به یکدیگر مختل و با افزایش هزینه‌ها مواجه شد. به علاوه دسترسی نیافتن به بازارهای یکدیگر و بازار روسیه، قطع یارانه‌ها و پرداخت‌های کمکی، و حمل و نقل و انرژی ارزان از طرف روسیه و بالاخره مسائل زیست محیطی از اهم تحولات جدید منطقه بود که جمهوری‌های تازه استقلال یافته را نیازمند یک چتر حمایتی قوی می‌گرداند.

این جمهوری‌ها یک دهه<sup>۲</sup> با اجرای سیاست‌های اصلاح اقتصادی و انجام فرایند ادغام در بازار، موجب شدند که نهادهای مالی، بازار و ظرفیت‌سازی به تدریج رشد کند، و در ابتدا یک روند بهبود نسبی در عملکرد اقتصادی این کشورها مشاهده شود. در این دوره به دلیل تشکیل جامعه مستقل کشورهای مشترک‌المنافع، ارتباط و وابستگی این جمهوری‌ها به یکدیگر و به روسیه کمتر دچار اختلال شد، گرچه هر یک از جمهوری‌ها با انعقاد پیمان‌های دو یا چند جانبه درصد کاهش این وابستگی بود. بحران اقتصادی روسیه در ۱۹۹۸ تاثيرات نامطلوبی بر روند مساعد اقتصادی منطقه گذارد و از سال ۲۰۰۰ رشد مناسب و معقولی ناشی از بهبود وضع اقتصادی روسیه، دوباره در منطقه ظاهر شد. این نوسان‌ها نمایانگر تداوم وابستگی شدید اقتصاد این کشورها به روسیه و نبود همگرایی لازم میان آن‌ها و سایر همسایگان است.

به هر حال بهبود رشد اقتصاد برخی از این جمهوری‌ها مانند رشد ۸/۸ درصدی قزاقستان و رشد ۱۶ درصدی ترکمنستان و ۱۰/۶ درصدی آذربایجان در ۲۰۰۲ حکایت از تمایل آن‌ها به قطع وابستگی به روسیه و گرایش به همگرایی‌های منطقه‌ای دارد.

برخی از این کشورها به‌رغم شرایط مناسب رشد اقتصادی در رابطه با

عملکرد اقتصاد داخلی و همکاری‌های منطقه‌ای با چالش‌های عمده‌ای مواجه هستند مواردی مانند لزوم اصلاح بازار، نیازهای نهادی، وضع بد سرمایه‌گذاری، نیازهای خدمات اجتماعی و بدهی خارجی بالای این کشورها از چالش‌های قابل ذکر در این زمینه است. در رابطه با چالش‌های منطقه‌ای هم می‌توان به نبود امکانات حمل و نقل و تجارت، مسائل آب و انرژی منطقه، در دسترس نبودن خطوط لوله و گاز و نفت، دسترسی نیافتن به خدمات اجتماعی و بالاخره مسائل زیست محیطی اشاره کرد. فراهم آمدن شرایطی برای رفع این چالش‌ها نیازمندی این جمهوری‌ها را به همگرایی‌هایی نظیر اکو بیشتر نشان می‌دهد.

در حال حاضر هم تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر که مبنای حقوقی هرگونه فعالیت در منطقه خزر و کشورهای ساحلی آن است یکی از چالش‌های مهم منطقه است. در صورت توافق اعضا در این زمینه، همکاری‌های کشورهای حوزه خزر عضو اکو در زمینه‌های گوناگون شامل انرژی، کشتیرانی، تجارت، شیلات، توریسم، حفاظت از محیط زیست و استفاده از فضای آبی آسان‌تر می‌شود. به علاوه با توجه به همجواری روسیه در حوزه خزر، این توافق اثر بیشتری در ارتقای سطح فعالیت‌های اکو خواهد داشت.

از سوی دیگر وجود الویت‌هایی نظیر اصلاحات سیاسی و اقتصادی، ظرفیت‌سازی از طریق ارائه کمک‌های فنی و آموزشی، استقرار نهادهای بازار مثل بانک و بیمه و خدمات مالی، بهبود وضع سرمایه‌گذاری به ویژه در زیرساخت‌های اجتماعی و مالی، پرداخت بدهی‌ها و بهره‌برداری از منابع انرژی، حمل و نقل و تجارت نمایانگر ضرورت ارتقای سطح همکاری‌های منطقه‌ای این جمهوری‌ها به‌ویژه در قالب سازمان اکو است.

با توجه به موارد مذکور مهمترین چالش و الویت منطقه به ویژه سه جمهوری حوزه خزر در راستای ارتقای همکاری‌ها، مسأله بهره‌برداری از منابع انرژی، و مسائل ترانزیتی همین‌طور نحوه دستیابی به بازارهای

جهانی است.

اهمیت منابع انرژی به ویژه در ساختار اقتصادی، صادرات و تأمین درآمدهای ارزی سه جمهوری حوزه دریای خزر یعنی ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان که دارای منابع غنی نفت و گاز هستند، بارز و آشکار است. نبود توانایی‌های مالی و فنی این جمهوری‌ها برای تولید، بهره‌برداری، صدور و فروش منابع انرژی خود از پارامترهای اساسی افزایش سطح همکاری‌های آن‌ها با اعضای اکو و دیگر کشورهای منطقه است.

در ضمن دستیابی جمهوری‌های مذکور به بازارهای خارج، از راه‌های ترانزیتی کشورهای اصلی اکو نظیر پاکستان و ایران و ترکیه در صورت الحاق به این سازمان آسان‌تر خواهد بود.

به علاوه این جمهوری‌ها برای گسترش تجارت خود و نیز قطع وابستگی به روسیه و دسترسی به بازار دیگر کشورها نیازمند تلاش برای رفع موانع گمرکی و تعرفه‌ای هستند.

ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای جمهوری‌های سه گانه حوزه خزر در قالب سازمان اکو همچنان به نحوه تعامل آن‌ها با بازیگران مهم منطقه مانند روسیه، چین، ایران و دیگر همسایگان و همچنین شناخت پتانسیل همکاری با آنان دارد.

روابط روسیه با کشورهای آسیای مرکزی پس از استقلال دچار فراز و نشیب شد. در دوران حکومت شوروی، اقتصاد این کشورها در چارچوب نظام برنامه‌ریزی متمرکز و برحسب تولید کالاهای خاص برای هر یک از مناطق تنظیم شده بود و این امر یک اقتصاد تخصصی و تک محصولی را برای این جمهوری‌ها به همراه داشت. این ساختار بعد از استقلال هم تداوم یافته و وابستگی آن‌ها به یکدیگر و به اقتصاد روسیه همچنان حفظ شد. تشکیل جامعه کشورهای مشترک‌المنافع (CIS) در ۱۹۹۱ در رابطه با حل مسائل و مشکلات آن‌ها و یکی از تلاش‌های جدی در مسیر همکاری منطقه بود. در ۲۰۰۲ مجموع مبادلات کشورهای مشترک‌المنافع معادل ۲۳۱ میلیارد دلار است که ۸۴ میلیارد دلار آن واردات و ۱۴۷ میلیارد دلار صادرات است. روسیه بزرگترین کشور از لحاظ حجم تجارت خارجی و مهم‌ترین شریک تجاری در این جامعه محسوب می‌شود. سهم روسیه در مجموع صادرات و واردات کشورهای مشترک‌المنافع به ترتیب ۲۲/۳ درصد و ۵۴/۷ درصد است. هدف کلیه پیمان‌های منعقد شده دو یا چند جانبه، حفظ پیوندهای تجاری این جمهوری‌ها و جلوگیری از آسیب‌پذیری بود. نکته قابل توجه، آن‌ها که در این پیمان‌ها روسیه همواره شرایط برتری نسبت به دیگر اعضا داشت و این نمایانگر وابستگی آن‌ها به روسیه از نظر تأمین انرژی، مواد غذایی و حمل و نقل بود.

گرچه در حال حاضر سهم بالای روسیه در پیمان‌های منطقه‌ای و مبادلات تجاری کشورهای مشترک‌المنافع به عنوان یک چالش مهم مطرح و موجب گرایش کشورها به دیگر همکاری‌های منطقه‌ای است، به ویژه برای دو جمهوری آذربایجان و قزاقستان که مرز مشترک طولانی با روسیه دارند پیوندی است که می‌تواند به عنوان یک مزیت مطرح شده و تداوم روابط اقتصادی آن‌ها با این کشور موجب گشایش بازار بزرگی برای اکو شود. و تعامل صحیح با این بازیگر بزرگ منطقه، عامل موفقیت برای سازمان اکو باشد.

چین هم با وسعت و جمعیت زیاد و رشد اقتصادی مناسب به عنوان یکی از همسایگان مهم تأثیرگذار، در روند مبادلات تجاری جمهوری‌های آسیای مرکزی مطرح است. امکان تولید حجم انبوهی از کالاها با قیمت ارزان و امکان مبادله تجاری بدون تقاضای ارز، از دیگر ویژگی‌های چین در روابط تجاری با

آسیای مرکزی است. به علاوه این کشور با تجربه در پیشرفت‌های اقتصادی با مدل اقتصاد سوسیالیستی، مدل و الگوی مناسبی برای کشورهای تازه استقلال یافته است. در ضمن دو کشور اصلی عضو اکو یعنی ایران و پاکستان دارای روابط گسترده‌ای با این کشور هستند. ویژگی‌های اقتصادی چین و مجاورت با برخی کشورهای اکو همکاری این سازمان را با چین توجیه‌پذیر می‌سازد و قزاقستان به دلیل مرز مشترک طولانی می‌تواند مؤثرترین نقش را در راهیابی اعضای سازمان اکو به بازارهای این کشور داشته باشد.

از طرفی چین به دلیل نبود زیرساخت‌های لازم برای توسعه ارتباطات و تجارت خود با آسیای مرکزی نیازمند حفظ ارتباطات با قزاقستان است. این کشور همچنین نیازمند منابع انرژی منطقه بوده و از واردکنندگان مهم مواد انرژی آن محسوب می‌شود. در این رابطه استفاده منابع عظیم انرژی ترکمنستان و قزاقستان و انتقال این منابع از طریق چین به سایر نقاط، از راهبردهای مهم چین است.

در مجموع موارد مذکور ضرورت افزایش سطح همبستگی متقابل بین چین و اعضای اکو به ویژه قزاقستان و ترکمنستان را نشان می‌دهد.

روابط ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی ریشه در تاریخ این منطقه دارد. طی قرن‌ها ایران و سرزمین‌های این منطقه بخش‌های واحدی از جهان اسلام را تشکیل می‌دادند. بعد از استقلال هم این جمهوری‌ها به دلیل تلاش وسیع برای یافتن شرکای تجاری جدید در منطقه به ایران گرایش یافتند. ویژگی‌های جغرافیایی و مرز مشترک با ترکمنستان و آذربایجان مسیر ارتباطی مناسب را برای پیوند دادن میان جمهوری‌های آسیای مرکزی و بازارهای جهان را فراهم آورده است. تجارب ارزنده ایران در زمینه استخراج و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز برای این جمهوری‌ها به ویژه ترکمنستان و قزاقستان قابل توجه است. توسعه همکاری در این بخش می‌تواند موجب تقویت و تحکیم بنیان‌های اقتصادی آن‌ها شود. به علاوه مسیر ایران برای دسترسی به بازارهای تقاضای جهانی انرژی و انتقال منابع انرژی این جمهوری‌ها، بهترین و با صرفه‌ترین مسیر است.

از طرفی ایران با تأسیس نهادهای تجاری در مرزها در قالب بازارچه‌ها و مناطق آزاد با اهداف گوناگون زمینه پیوندهای اقتصادی و سیاسی با این جمهوری‌ها را گسترش داده است. (تعداد ۱۱ بازارچه با سقف مبادلات حدود ۸۰ میلیون دلار در استان خراسان، اردبیل و گیلان همجوار با جمهوری‌های ترکمنستان، آذربایجان و دو منطقه آزاد جلفا و بندرانزلی در مرزهای شمالی تأسیس شده است).<sup>۵</sup> به علاوه مبادلات تجاری ایران با جمهوری‌های آسیای مرکزی در سطح بالایی قرار دارد سطح صادرات ایران به اکو در ۱۳۸۱ برابر ۹۳۷ میلیون دلار و سطح واردات آن از اکو ۸۳۷/۹ میلیون دلار است. بالاترین سهم واردات ایران مربوط به جمهوری آذربایجان است ۱۴. جمهوری قزاقستان نیز بعد از ترکیه دارای سهم قابل توجهی است. همچنین ایران با جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع نیز دارای مبادلات وسیعی است. در این رابطه صادرات ایران برابر ۶۷۷/۸ میلیون دلار و واردات آن ۱۳۰۹/۱ میلیون دلار است. با توجه به سهم بالای روسیه و ارمنستان در واردات و صادرات ایران از این جامعه و همجواری قزاقستان و آذربایجان با این دو جمهوری، در صورت سازمان‌دهی و هماهنگی می‌توان سطح این نوع مبادلات را گسترده‌تر هم کرد. در مجموع ویژگی‌های جغرافیایی سیاسی و جغرافیای اقتصادی نمایانگر بالابودن پتانسیل ایران در تعامل با کشورهای آسیای مرکزی برای ارتقای نقش آن‌ها در افزایش سهم تجارت اکو است.

## نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها

نگرشی به شاخص های همگرایی جمهوری های آسیای مرکزی به ویژه سه جمهوری حوزه خزر با یکدیگر و هماهنگی این شاخص ها با سایر اعضای آکو نمایانگر عامل جذب این جمهوری ها به سازمان آکو است. وجود شرایطی مانند اشتراکات قومی و فرهنگی، ضرورت ارتباطات و مبادلات وسیع بازرگانی، بهره مندی از منابع انرژی و امکان استفاده از مهارت های فنی و مهندسی، تشابه نظام های اقتصادی، رشد بالای اقتصادی برخی از اعضا، ضرورت همکاری مشترک در فعالیت هایی نظیر شیلات، توریسم، محیط زیست، وجود بستر مناسب برای همگرایی این جمهوری ها را براساس الگوهای رایج نشان می دهد. در صورت استفاده از مدل مناسب همگرایی در روابط اقتصادی این جمهوری ها می توان به نتایج مطلوب دست یافت.

البته همان طور که ذکر شد وجود برخی دشواری ها چه در زمینه عملکرد اقتصاد داخلی نظیر ناهماهنگی رشد اقتصادی، تشابه کالاهای صادراتی، وابستگی بیش از حد به یکدیگر و به اقتصاد روسیه، ضعف های موجود در ساختار اقتصادی آن ها و نیز چالش های منطقه ای در زمینه مسائل حمل و نقل، تجارت، انرژی و غیره و چالش های بین المللی شامل نفوذ قدرت های خارجی روسیه، چین، آمریکا و به ویژه شرکت های چند ملیتی و بالاخره اختلافات آن ها در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر می تواند از موانع مهم همگرایی این جمهوری ها و نقش فعال آن ها در سازمان آکو باشد ولی در صورت بستر سازی مناسب و استفاده صحیح از پتانسیل های همکاری منطقه ای، حتی چالش های موجود را می توان به محورهای همکاری مشترک اعضا تبدیل کرد.

سه جمهوری حوزه دریای خزر یعنی آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان به دلیل بهره مندی از منابع غنی انرژی و نیز دستیابی به راه های آبی و دریای خزر و مجاورت با ایران و مرزهای مشترک طولانی قزاقستان با روسیه و چین، و ترکمنستان با افغانستان از پتانسیل بیشتری در فعال کردن سازمان آکو برخوردار هستند. ویژگی مشترک این سه جمهوری دستیابی آن ها به نفت و گاز است. مهمترین منابع کشف شده در نزدیکی سواحل آذربایجان و قزاقستان قرار دارد. در حال حاضر طرح های گوناگون برای بهره برداری از منابع انرژی این منطقه از طرف کشورهای مختلف مطرح می شود که مهمترین آن طرح باکو - جیحان برای انتقال نفت منطقه به اروپاست گرچه این قرارداد مسیر ایران را نادیده می گیرد ولی با درگیری دو تن از اعضای آکو یعنی آذربایجان و ترکیه در این طرح می تواند آثار مثبتی در بالا بردن سهم مبادلات تجاری آکو در جهان داشته باشد. به علاوه وابستگی این جمهوری ها به روسیه برای بهره برداری از منابع انرژی می تواند و به یک مزیت تبدیل شده و با تشکیل کنسرسیوم های متشکل از روسیه و دیگر اعضای آکو در زمینه طرح های تولید و بهره برداری از منابع نفتی و گازی منطقه، امکان دسترسی به بازارهای روسیه آسان تر شود و از نفوذ سایر قدرت های جهان به منطقه آسیای مرکزی و بازارهای هدف آکو جلوگیری کرد.

توافق های ترکیه و روسیه در زمینه صدور گاز ترکمنستان به ترکیه، ایران و روسیه و قزاقستان در زمینه صادرات تولیدات نفتی به ایران، و با ترکمنستان در زمینه صادرات گاز به ایران، موافقت نامه در زمینه خطوط لوله گاز برای انتقال گاز ترکمنستان به افغانستان و پاکستان و غیره از این موارد است.

چالش های حمل و نقل و ارتباطات در منطقه نیز می تواند با موافقت نامه های ترانزیتی به ویژه با مشارکت ایران برطرف شود. در این رابطه طرح ترانزیتی دالان شمال - جنوب که از طریق ایران، روسیه را به اروپا متصل می کند، می تواند گسترده تر شده و با مشارکت کلیه کشورهای منطقه در این

طرح، ارتباطات آن ها آسان تر شود. در نتیجه با کوتاه شدن مسیر حمل و نقل کالا از آسیای مرکزی به جنوب شرق آسیا و کشورهای عربی و اروپا، سطح مبادلات تجاری میان اعضای آکو افزایش می یابد. در حال حاضر قزاقستان به این موافقت نامه پیوسته است و آذربایجان نیز اعلان آمادگی کرده است و در صورت تشویق ترکمنستان برای الحاق به طرح دالان شمال - جنوب، نقش این جمهوری ها در استفاده از این پتانسیل برجسته تر می شود.

تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر و کسب نتایج دلخواه ایران به عنوان یک کشور حاشیه خزر و از اعضای اصلی آکو می تواند در صورت هماهنگی با سایر جمهوری های خزر، سطح فعالیت های تجاری منطقه را افزایش دهد.

در حال حاضر تعدادی بازارچه های محلی در مرزهای ایران و کشورهای حوزه خزر و همچنین دو منطقه ویژه اقتصادی در جلفا و بندرانزلی فعالیت دارند. گسترش این نهادهای تجاری با هدف امکان ترانزیت و صدور دوباره کالا و خرده فروشی، در ارتقای سطح همکاری های تجاری منطقه تأثیر بیشتری خواهد داشت. با توجه به بهره مندی کشورهای حوزه خزر از منابع انرژی، تشکیل مناطق آزاد با اهداف تخصصی نفت و گاز موجب افزایش همکاری های کشورهای مذکور در زمینه انرژی خواهد شد.

یکی از ضرورت های توسعه تجارت میان اعضای آکو، کاهش تعرفه های گمرکی و عوارض بازرگانی است. در این باره توافقاتی میان کشورهای عضو حاصل شده که تعرفه های گمرکی در مدت هشت سال به سطح ۱۵ درصد کاهش یابد. با اجرای صحیح و کامل این موافقت نامه توسط اعضا و اراده راسخ برای کاهش و یا حذف تعرفه های گمرکی و غیر گمرکی، سهم کشورهای آکو در تجارت جهانی افزایش خواهد یافت.

با توجه به ضرورت برقراری ثبات و امنیت در منطقه که باعث کاهش ریسک سرمایه گذاری می شود کشورهای حوزه خزر با همکاری در این زمینه در قالب آکو می توانند مشکلات ثبات و امنیت منطقه را در رابطه با جذب سرمایه خارجی تا حدودی رفع کنند.

ایران علاوه بر مشارکت در منافع حوزه خزر، دارای مرز مشترک خاکی با آذربایجان و ترکمنستان نیز است. به علاوه دارای روابط مثبت سیاسی با این کشورهاست و از لحاظ اقتصادی نیز از میزان رشد مشابهی برخوردارند. در این رابطه نقش ایران در افزایش سطح همکاری های این کشورها در آکو از اهمیت خاص برخوردار است.

### پی نوشت ها:

۱. این مقاله ترجمه ای است از گزارش ارائه شده در همایش چشم انداز تجارت در دریای خزر (بهمن ۱۳۸۲).
۲. سازمان همکاری عمران منطقه ای (RCD) در ۱۹۶۴ با مشارکت سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان به منظور همکاری های اقتصادی، فنی، بازرگانی و با هدف تقویت این نوع همکاری ها شکل گرفت.
3. WWW.Worldbank.org. "The World Bank Group, " Europe and Central Asia Region, Ten years of Transition.
4. WWW.MainMacroeconomic/Indicators.Cis - Current data.
۵. گمرک، سالنامه آماری بازرگانی خارجی ایران، سال های مختلف.
6. WWW. Eco. Secratariat. org.